



اسمن پنهانگر

گفت‌وگوی «جوان» با پژوهشگر عرصه مدولباس

حوزه عفاف و حجاب تاکنون دست غیر متخصص‌ها بوده است

فضای مجازی، مزون‌های زیرزمینی و قاچاق، محل عرضه مد ماست

داشتن حجاب و پوشش ترغیب کنیم، اما در این خلأ شکل گرفته جریان‌های مدولباس زیرزمینی فعالیتند و از رهگذر فضای مجازی، لباس‌ها و پوشش‌های ناهمخوان یا فرهنگ ایرانی-اسلامی را در جامعه رواج می‌دهند. در واقع تقصیر بخشی از بدحجابی‌های مشکل گرفته در سطح جامعه به خلا فرهنگ‌سازی و کار فرهنگی برای تعمیق باورها و پخش دیگری از آن به خلا ارائه طرح‌های جذاب و خلاقانه پوشش در عرصه مدولباس بازمی‌گردد و در خلال این کم‌کاری‌های داخلی با فعالیت‌های گسترده و ساماندهی شده

جامعه می‌بینیم، این ناهنجاری‌ها به تدریج در جامعه ایجاد شده است و با هیچ دستورالعملی از بین نمی‌رود به جز با کار فرهنگی و به همان صورت تدریجی پس به جای برخورد‌های آنی و پلمپ کردن مغازه‌هایی که لباس‌های ناهنجار عرضه می‌کنند، باید ریشه‌یابی کنیم. بینیم تولید مد در کشور از کجا انجام می‌شود. این عرضه اصلی در این حوزه است و ما چشم‌مان را به روی این مسئله بسته‌ایم و سراغ جایی رفته‌ایم که پیش چشم‌مان است و برخورد با آن از همه ساده‌تر است. در صورتی که اگر ریشه‌ای با مسئله مواجه نشویم، همین روند ادامه پیدا می‌کند.

شما به عنوان یک فرد دانشگاهی فعال در این عرصه، ریشه‌های بدحجابی در سطح جامعه را در کجا می‌بینید و معتقدید تولید مد در کشور ما در کجا انجام می‌شود؟

بخش عمده مد ما وارداتی است و از فرهنگ داخل تأثیر نمی‌گیرد، اما اینکه کجا عرضه می‌شود؟ باید بگویم فضای مجازی، مزون‌های زیرزمینی و سطح قاچاق، محل عرضه مد ماست که ما به این سه سطح دسترسی نداریم. چرا با این سه سطح عرضه مد ناهنجار برخورد نمی‌شود؟ چون دسترسی به فضای آنلاین خیلی سخت است. ورود به مزون‌های زیرزمینی خانگی هم خیلی سخت است و هیچ نهادی حاضر نمی‌شود ورود کند و این حوزه متولی خاصی ندارد. سطح قاچاقی هم که به صورت دستفروشی در جاهای مختلف عرضه می‌شود، امکان ردیابی و برخورد ندارد. اینها یکسری محصول رایج به مردم ارائه می‌دهند که برخورد با آنها پیچیده است و به این راحتی نمی‌شود با این سه سطح که اتفاقاً ریشه عرضه مدی است که از خارج به کشور وارد می‌شود، برخورد کرد، بنابراین ما به برخورد با فروشگاه‌هایی رو می‌آوریم که قانونی کار می‌کنند و دسترسی به آنها راحت‌تر است و در واقع می‌توان گفت به

تولیدکننده‌ترین شکل کار می‌کنند. یعنی شما با برخورد با فروشگاه‌هایی که مدهای ناهنجار عرضه می‌کنند، موافق نیستید؟ مطابق قانون، هفته‌ای ۲۵۰ تا ۳۰۰ فروشگاه به خاطر عرضه لباس نامناسب پلمپ می‌شود، در حالی که این کار این شائبه را ایجاد می‌کند که مجریان کار نمی‌توانند این مسئله موجب شده است کسانی که در فضای آنلاین انواع ساختار شکنی را می‌کنند یا مزون‌های زیرزمینی خانگی همین طور به کار خود ادامه دهند و هیچ نظارت وجود ندارد، اما برای برخورد با اصناف هم قانون داریم و هم با آنها برخورد صورت می‌گیرد.

آقای دکتر اگر مغازه‌های لباس نامناسب و ناهنجار عرضه نکنند که با آنها برخورد نمی‌شود، برخورد‌ها و پلمپ شدن این مغازه‌ها نشانه‌ای از تخلف آنها از قانون و عرضه لباس‌های نامناسب است، اینطور نیست؟ اصناف لباس‌هایی را عرضه می‌کنند که تقاضا برای‌شان وجود دارد و اگر این تقاضا را پاسخ ندهند، این مشتری نیایش را از طریق شبکه‌های عرضه مد مثل فضای مجازی، ایستاگرام، تلگرام، دستفروش کنار خیابان یا مزون‌های زیرزمینی تهیه می‌کند. این یک واحد اقتصادی است و به حیاتیات فکر می‌کند و رفتار ما با مدالات اقتصادی نمی‌گنجد. نمی‌شود از هر زاویه‌ای به یک فعال اقتصادی فشار آورد، برای حل و فصل ریشه‌ای باید فرهنگ‌سازی کرد و این فرهنگ‌سازی هم نیازمند کار پژوهشی و ریشه‌ای و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است.

این فرهنگ‌سازی و برنامه‌ریزی بلندمدت چگونه باید انجام شود؟ اینکه بخواهیم یک‌شبه مشکل ۵۰-۶۰ ساله را حل کنیم، امکانپذیر نیست و بعد از مدت کوتاهی ناگزیر به تغییر رویه خواهیم بود. به نظر من نیروی نظامی و سایر نهادها می‌توانند برنامه‌ریزی مناسبی برای بحث‌های فرهنگی و نظارتی عفاف و حجاب داشته باشند. نقش رسانه هم در این حوزه مهم است. گاهی ما با افرادی مواجه می‌شویم که می‌گویند به طور مثال دختر ۱۶ساله من چیزهایی را که در مغازه‌های سطح شهر عرضه می‌شود، نمی‌پسندد و به دنبال لباسی مدرن‌تر و زیباتر و به‌روزتر هستم. این نشان می‌دهد ما قبل از هر برخورد سلبی باید در جامعه فرهنگ‌سازی کنیم و اشراف داشته باشیم مد چگونه در سطح جامعه ایجاد می‌شود و چه بخشی از آن مورد اقبال قرار می‌گیرد. امروز ما با مسیر پیچیده‌ای مواجهیم و باید برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشیم. با برنامه‌های کوتاه‌مدت یک ساله و دو ساله نمی‌توانیم به نتیجه رسید.

اشاره‌دهی به بحث فرهنگ‌سازی داشتید، به طور نمونه من معتقدم دختر بچه‌ای که با عروسک باریبی و فرهنگ همسر با این عروسک بزرگ می‌شود، بدیهی است در جوانی هم دوست دارد شبیه باریبی باشد و به سادگی زیر بار آن نمی‌رود که چادر بر سر کند. اگر بخواهیم مصداقی‌تر در باره آن فرهنگ‌سازی صحبت کنیم، شما به عنوان یک دانشگاهی و کسی که با دانشجویان عرصه مدولباس در ارتباط است، چه تگه‌ای در این رابطه دارید؟

مثال خیلی خوبی درباره باریبی زدید، اگر بخواهیم باریبی را کنار بگذاریم، باید ده‌ها فعال این حوزه را بیاوریم تا شخصیت‌سازی و این شخصیت‌ها را وارد قصه‌ها کنند. این فکر می‌خواهد و اینگونه نیست که ما یک عروسک را درست کنیم و بگوییم این به جای باریبی آنها صنعت‌شان کنار فرهنگ‌شان کار می‌کند. همچنانکه باریبی تنها یک عروسک نیست و بازی، فیلم و اینها هم وجود دارد تا شخصیت‌بچه‌ها با آن شکل بگیرد. شما کارتن باریبی را نگاه کنید، کاری که یک دختر ۱۷-۱۸ساله لایالی انجام می‌دهد در قالب یک بچه هفت‌هشت ساله آورده‌اند که به شکل دوله شده در پلت‌فرم‌ها در فضای مجازی است و در دسترس همه هم قرار دارد. با این انیمیشن از کودکی بچه‌ها را با یک شخصیتی که در جذاب‌ترین حالت ظاهر می‌شود، همراه می‌شوند و بعد این شخصیت ذهن بچه‌ها را هدایت می‌کند. من سال ۹۴ به عنوان یک پژوهشگر از یکی از مسئولان وزارت کشور خواستم شبکه «جم» را جمع کنند چرا که به عنوان یک پژوهشگر آسیب‌شناسی کرده‌ام و می‌گویم این شبکه برای کشور فاجعه است. از سال ۹۴ تا الان هفت سال

ما گذرد، شما نگاه کنید ببینید سریال‌های شبکه خانگی با سریال‌های جم فرقی دارد یا نه؟ این در حالی است که ما برای بستن یا کنترل جم راه داشتیم ما می‌شد با مدیران این شبکه مذاکره کرد که نباید یکسری چیزها را تولید کنند. اما این بچه که حالا در سنین ۱۸-۱۷سالگی قرار می‌گیرد، همان رفتارها را در جامعه تکرار می‌کند، چون با این شخصیت‌ها بزرگ شده است. یک آمار جالبی به شما بدهم، اینکه بخش عمده‌ای از مردم ترکیه سریال‌های سخیف ترکیه‌ای را که در شبکه‌های ما دوبله و پخش می‌شود، اصلاً نگاه نمی‌کنند و به خانواده‌های‌شان اجازه نمی‌دهند این سریال‌ها را ببینند، بنابراین ما یک فرهنگی را درست می‌کنیم که تأثیر آن ۱۰سال آینده خود را نشان می‌دهد و بدیهی است به صورت یک‌شبه و با حرکت‌های سلبی نمی‌توان آن را جمع کرد.

بنابراین ما نیازمند یک برنامه‌ریزی بلندمدت و استراتژیک هستیم و اگر شخصیت‌سازی می‌کنیم باید به گونه‌ای باشد که بچه‌ها با این قصه و داستان شخصیت‌ها بزرگ شوند و مثلاً عروسک مورد علاقه آنها به سن تکلیف برسد و روسری و چادر سر کند اما وقتی بچه ما باریبی بزرگ می‌شود، برایش قابل پذیرش نیست که بخواهد به یک باره شخصیت متفاوتی از خودش به نمایش بگذارد. درست است؟

دقیقاً! هنوز ما در کشورمان نپذیرفته‌ایم، تغییر فرهنگ یک فرآیند زمانبر است و به راحتی هم تغییر نمی‌کند. باید در این حوزه کار کنیم و بدانیم این شخصیت‌سازی‌ها کار شده است و اگر ما یک شخصیت عروسکی می‌سازیم، اولاً فکر شده باشد و ثانیاً آن را راه‌ها نکنیم و برایش برنامه بلندمدت داشته باشیم. اگر شخصیت‌هایی که ما برای بچه‌های‌مان می‌سازیم با خارجی‌ها مقایسه کنید، می‌بینید با زشت هستند یا لمین یا عجیب و غریب! در حالی که بچه‌ها با این شخصیت‌ها زندگی می‌کنند اما ما راحت از ساختارهای فرهنگی‌مان می‌گذریم. به طور مثال ما این همه تیپ‌های شخصیتی در ۲۰سال کلاه قرمزی درست کردیم، ولی بعد این را جمع کردیم! بحث هزینه هم مهم است. سال ۹۷ من در فرانکسیون زنان مجلس از دبیر کارگروه ساماندهی مدولباس بودجه این حوزه را سؤال کردم و متوجه شدم هزینه یکی از هفته‌های مد دنیا که سالی دو بار در بسیاری کشورها برگزار می‌شود و جریان‌های مد دنیا را درست می‌کنند، بودجه یک بار برگزارش چندین برابر بودجه سالانه وزارت ارشاد است. در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت کار فرهنگی دنباله‌داری انجام شود و در برابر همه‌های موجود اثر گذار باشیم.

جمعیت‌یاب‌دار



تله پزشکی برای باروری دختران زیر ۱۸سال و بالای ۳۵سال!

مهدی نیک‌ضمیر

با بالا رفتن سن ازدواج یکی از نخستین عارضه‌هایی که گریبانگیر فرد و جامعه می‌شود، مسئله فرزندآوری است. بدیهی است وقتی زنی در سن بالای ۳۰سال یا حتی در ۴۰سالگی ازدواج می‌کند، چندان فرصتی برای داشتن فرزندان بیشتر ندارد و در نهایت نتواند دوران باروری خود یک یا دو فرزند در طول زندگی‌اش بیاورد. اما ازدواج در سن مناسب فرصت بهتر و مناسب‌تر و بارداری‌های ایمن‌تر و بدون دغدغه‌تری را فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که به گفته جریان غالب پزشکی در کشور، بارداری‌های زیر ۱۸سال و بالای ۳۵سال می‌تواند ریسک ابتلا به بیماری در جنین را افزایش دهد و مادر هم دوران بارداری سخت‌تری را تجربه می‌کند.

با وجود این، محدود کردن دوران باروری زنان به ۱۸ تا ۳۵سالگی در عمل فرصت باروری را از زنان می‌گیرد؛ چه زنانی که در سن مناسب ازدواج می‌کنند و چه آنهایی که به هر دلیلی نتوانسته‌اند در سن مناسب ازدواج کنند، حتی می‌توان گفت یکی از موانع ازدواج و تجرد قطعی دخترانی که از ۳۰سالگی عبور کنند، همین باور رایج در رابطه با عدم امکان باروری در سنین بالاتر از ۳۰ تا ۳۵سالگی است. در حالی که بسیاری از پزشکان غربی چنین نگاهی ندارند و جریان غالب پزشکی در کشور ما چنین حساسیتی را در رابطه با ممنوعیت باروری زنان در سنین قبل از ۱۸ و بعد از ۳۵سالگی ایجاد کرده است.

بر اساس برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی، اگرچه کودکان زیر ۱۸سال حق ازدواج ندارند اما داشتن رابطه جنسی برای آنان ممنوع نیست؛ فارغ از نادرستی و عجیب نمودن چنین تبعات اجتماعی و فرهنگی خاصی که چنین نگاهی به دنبال دارد، اما شاهد آن هستیم که در دنیای غرب بسیاری از نوجوانان به واسطه روابط خارج از ازدواج باردار می‌شوند؛ بارداری‌هایی که از یک سو برای‌شان شرایط سقط خودخواسته فراهم می‌کند و از سوی دیگر به آنها می‌تواند فرزندشان را ننگه‌دارند

والدین و دولت از این کار حمایت می‌کنند. این در حالی است که اگر بارداری برای افراد زیر ۱۸سال عوارض دارد، چرا نباید از رفتارهایی که منجر به بارداری‌های زودرس در چنین سنینی می‌شود، جلوگیری کرد؟ از سوی دیگر بارداری از مسیر تشکیل خانواده و برخورداری از حمایت‌های روحی و عاطفی اعضای خانواده و از آن مهم‌تر همسر طبیعتاً وضعیت مناسب‌تر و دوران بارداری‌تری را برای فرد تضمین می‌کند اما بارداری خارج از محیط خانواده در دنیای غرب آسیب‌های روحی-روانی جبران‌ناپذیری را به دختران نوجوانی که در جریان فساد موجود در جامعه غربی به چنین شرایط دچار می‌شوند، به بار خواهد آورد.

از سوی دیگر بارداری زنان بالای ۴۰سال هم در دنیای غرب امری پذیرفته شده است و حتی خیلی وقت‌ها در اخبار رسانه‌ها یا مواردی از بارداری و زایمان خانم‌های مسن مواجه می‌شویم. در غرب فرزندانگی که از زنان بالای ۴۰سال به دنیا می‌آید، گلدن بیبی یا کود کان طلایی نامگذاری می‌شوند. پس نه فقط کسی از بارداری این خانم‌ها جلوگیری نمی‌کند بلکه با مراقبت بیشتر و تحت نظر قرار دادن آنها، به این زنان هم امکان بارداری شدن و داشتن تجربه مادری داده می‌شود. این در حالی است که در کشور ما غالب متخصصان زنان و زایمان، خانم‌ها را از بارداری در سنین بالای ۳۵سال و کمتر از ۱۸سال منع می‌کنند. این به این معناست که ما فرصتی طلایی را برای اصلاح ساختارهای جمعیتی‌مان از دست می‌دهیم و از یک سو امکان زایمان و باروری دختران‌مان در سنین کمتر از ۱۸سال را از آنها می‌گیریم و از سوی دیگر با محدود کردن بارداری و زایمان برای افراد بالای ۳۵سال، نه فقط امکان بارداری و مادر شدن زنان‌مان را در این سنین از آنها سلب می‌کنیم بلکه با ایجاد مانعی فرهنگی بر سر راه دخترانی که هنوز با وجود رسیدن به سنین بالای ۳۰سالگی ازدواج نکرده‌اند، این گروه از دختران را به تجرد قطعی نزدیک می‌کنیم

چرا که این باور وجود دارد که این دختران نمی‌توانند باردار و مادر شوند و این مسئله به طور قطعی در ازدواج و انتخاب شدن آنها اثر گذار خواهد بود. بر این اساس می‌بینیم که چگونه مؤلفه‌های فرهنگی و فرهنگ وارداتی غربی حتی در مسائل پزشکی ما اثر می‌گذارد و چگونه مانع از وقوع ازدواج می‌شود و بر مؤلفه رشد جمعیت کشورمان اثر می‌گذارد، پس باید کمی آگاهانه‌تر با این مسائل مواجه شد.

باید بدانیم تغییر فرهنگ

زمانبر است و به راحتی

تغییر نمی‌کند. بدحجابی‌های

امروز در جامعه معلول

سال‌ها کم‌کاری در حوزه کار

فرهنگی است و همان‌طور

که یک روزه و یک‌ماهه

ایجاد نشده است، ظرف

مدت‌زمان کوتاه و با کارهای

مقطعی از بین نمی‌رود



از نگاه آسیب‌شناسی، ریشه مشکل را در

کجای می‌بینید؟

بزرگ‌ترین آسیب‌شناسی که به نظر من وجود دارد این است که کسانی که در حوزه عفاف و حجاب تخصص نداشته‌اند، بلد نبودند، وارد این عرصه شدند. از همان ابتدا و در میانی نظری اختلافات علمی شدیدی وجود دارد. الزاماً عفاف با حجاب گره نخورده است. هر کس که حجاب دارد، عقیف نیست و بر عکس، ما با در کنار هم آوردن این دو واژه و مباحثی که پیش آورد و روند‌های آزمون و خطایی در این حوزه مواجهیم.

اینکه لزوماً هر فرد بدحجابی عقیف نباشد، نکته درستی است اما با نمایش افراد

بدحجاب در جامعه سسطحی از ناهنجاری

را به نمایش گذاشته است که با عنایت به

قانون حجاب در کشور، شایسته یک کشور

اسلامی نیست.

بحث من این است که اگر ما ناهنجاری‌هایی را در سطح